نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شمارهٔ ۴۰، شنبه ۴ شهریورماه ۱۳۵۷

اعلام جرم مردم ایران علیه رژیم جنایتکار شاه

گزارش دولت درباره فاجعه تکان دهندهٔ آبادان، همان طور که انتظار می‌رفت، نه تنها نکات ابهام این جنایت هولناک رژیم را روشن نکرد، نه تنها اعلان واقعی این تراژدی هولناک ملی را معرفی ننمود، نه تنها موارد و میزان قصور و اهمال مسئولان انتظامی و دولتی را در قبال حریق عمدی روشن نساخت، بلکه گره ها و ابهامات و غامض های جدیدی را بر سر سوال های بی جواب مانده قبلی افزود. این گزارش در واقع ماستمالی کردن واقعیت هایی است که رژیم و کارگزاران او را رسوا و محکوم می‌کند. به عبارت دیگر این گزارش ساواکی و تعلیماتی جز تکرار همان ترهات و مدعیات و نقیض هایی که قبلاً در روزنامه های زیر سانسور دولتی و وسایل ارتباط جمعی ساواک زده اعلام شده بود، هیچ دربر نداشت.

خبرنگاران نوید در آبادان طی چند روز گذشته با تحقیق از ده ها شاهد عینی فاجعه سینما رکس، با پرس و جو از مردم، با بررسی گزارش های رسمی و نیمه رسمی که در جراید منعکس شده، دلایل انکارناپذیر بر مداخلهٔ مستقیم رژیم را در توطئه قتل عام آبادان، جمع آوری و تنظیم کرده اند. این دلایل در واقع اعلام جرم مردم ایران علیه حکومت غدار و آدمکشی است که تمامی میثاق های بین المللی و حقوق بشری و اصول و قراردادهای انسانی را زیر پا گذاشته و نقش جلاد خلق های ایران را به طور عریان و با گستاخی و قساوت بی‌سابقه ای به عهده گرفته است.

اعلام جرم مردم ایران علیه این رژیم فاسد و خونریز، در ده ها سوال بی جواب که این روزها در هر خانه و محفل و اجتماعی بر زبان می‌آید، مدام تکرار می‌شود. این حد اعلای است که وجدان بشری را معذب می‌کند و مراجع مسئول جهانی، عناصر و سازمان های واقعی مدافع حقوق بشر، آزادیخواهان و بشردوستان را در قبال جنایات فزاینده ای که در ایران می‌گذرد، متعهد می‌سازد. ادعانامهٔ مردم که زخم جدید رژیم شاه قلب آنها را جریحه دار کرده، در قالب مواد زیر عرضه می‌شود:

۱- در حالی که سینما رکس فیلم "گوزن ها" را نمایش می‌داد که بازپان کتابه و تشویق به جاریات افشاری از مردم و محکوم کردن رژیم ضد مردمی شاه پرداخته، چه دلیلی دارد که جز عاملان رژیم تماشاگران در سالن فیلم و نه هیچ یک دیگر از مسئولان سینما حضور نداشتند؟ جز این است که یک توطئه و دستور قبلی که جز با قدرت رسمی شهربانی و ساواک نمی‌تواند ضمانت اجرایی داشته باشد، این مسئولان را در لحظه انجام جنایت از محل سینما دور کرده است؟

دنباله در صفحه ۳

لشکرکشی شاه علیه مردم

موضع رژیم، پس از جنایت آبادان

فاجعهٔ آبادان، نقطه اوج بحران علاج ناپذیری است که چون گرداب رژیم پوشکسته و رسوای شاه - ساواک را در خود می‌کشد. شاه با اجرای توطئه تبه کارانه ای که به بهای جان بیش از ۴۰ انسان بی‌گناه و داغدار کردن هزاران خانواده و سوگوار شدن ملتی ستمدیده و تسلیم ناپذیر بر تمام شد، نشان داد که به آخرین ایستگاه نزول یافته و به چنان وحشت و جنونی دچار آمده که حکومت بر او با رخود را جز با قتل عام ملتی مردم و دسیسه های جنایت آمیزی در پنهان و حرکت های دیوانه وار و خطرناکی که تنها از یک دیکتاتور خلق ساخته ساخته است، غیرممکن می‌داند. شاه با طراحی توطئه موحش سینما رکس آبادان، هدف های چندگانه ای را در مد نظر داشت:

۱- متهم کردن مخالفان استبداد و رزمندگان راه آزادی و عدالت و استقلال به تروریسم و خرابکاری و جریکش کردن سیمای آن ها در انظار مردم و جهانیان و از این رهگذر به وحشت انداختن افشارگر آگاه شهر و مردم به منظور خلوگیری از پیوستن آن ها به عرصهٔ مبارزهٔ فعال.

۲- زمینه چینی تعلیماتی همه جانبه ای برای سرکوب خشونت آمیز و وسیع مخالفان و مبارزان و قلع و قمع گروه ها و سازمان های سیاسی که در حال گسترش و نیرومند یابند.

۳- توجیه دیکتاتوری خونین و افسار گسیخته که بر زندان ها و شکنجه گاه ها و میدان های اعدام متکی است.

۴- منحرف کردن انظار و افکار از قتل عام ها و جریکش های تبه کارانه در شهرها و حتی روستاهای کشور - که تنها در چند ماه اخیر هزاران شهید طی برجای نهاده - و پرده کشیدن به روی حکومت نظامی شوم و وحشیانه ای که در اصفهان و چند شهر دیگر برقرار شده است.

در جنگ تاجداری و در پیش از ارتکاب جنایت آبادان پیشگویانه درباره وحشت بزرگی که قرار بود بر مردم نازل شود، هشدار داده بود. هیچ کس جز او در آن لحظه نمی‌دانست در پناه چه گذارشاه چه دهشت غیرقابل باوری نهفته است. در متن این زمینه چینی ناشیانه شعله های آتش بیداد رژیم سینما رکس را با بیش از ۴۰ قربانی در کام کشید و به زغال و توده ای گوشت لهیده و کباب شده مبدل کرد. وضع خبر فاجعه به گوش ها نرسیده و نخستین گام های تحقیق هنوز پرداخته نشده بود که رژیم با وسعت تمام دستگاه ها و زمینه رسمی تعلیماتی اش، مخالفان را بمبار رتهمت گرفت و مسئول جنایت تکان دهندهٔ خود معرفی کرد. رئیس شهربانی آبادان که خود

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران سفر توطئه گرانهٔ رهبر مائوئیست چین را به ایران محکوم میکنند

هوا کوفنگ رهبر مائوئیست های پکن، در شرایطی برای ملاقات و اعلام پشتیبانی محمد رضا شاه آدمکش به ایران می‌آید که ایران در سرحد آتشین خون شهیدان آزادیخواه و میهن پرست می‌سوزد و رژیم استبداد و سلطنتی در زیر ضربات کوبندهٔ مشت متحد خلق های قهرمان ایران آخرین مراحل حیات ننگین و سراسر جنایت و خیانت خود را می‌گذراند.

هوا کوفنگ، این رهبر مرتجعان و خائنان جنبش انقلابی جهان، در شرایطی برای دیدار و فشردن دست های خون آلود جلاد تاجدار ایران می‌آید که بوی اجساد ذغال شده قربانیان بی‌گناه آدم سوزی رژیم دیکتاتوری شاه هنوز در فضای تب آلود و خشم آگین ایران به مشام می‌رسد.

البته پشتیبانی رهبر مائوئیست چین از رژیم ضد خلقی شاه پدیدهٔ تازه ای نیست. از همان اولین که رژیم ایران نقش ژاندارم منطقه را بر عهده گرفت، وزیر خارجه وقت چین در سفر خود به ایران سیاست تسلیحاتی و نظامیگری شاه را مورد تائید قرار داد و آن را شانهٔ یک سیاست مستقل خواند. رهبری مائوئیست چین از آریامهر شاه راهم به مبارزه طبقه خلق های خاورمیانه و هم به خصوصه با اتحاد شوروی تشویق کرد.

اینک مدتی است که سیاست خارجی مائوئیستی چین وارد مرحله تازه ای شده است: در این مرحله کلیه مقتضیات منفی و ارتجاعی این سیاست به زیان خلق ها، به زیان صلح، به زیان سوسیالیسم شدت بی‌سابقه ای یافته است. رهبری چین در آغاز خصومت خود با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، نه تنها به قصد رام کردن به سود مقاصد خود، ادعا می‌کرد که گویا با ارتجاع های "جهان سوم" و طرفدار انقلاب های مسلحانه و دشمن پیگیر امپریالیسم و سرمایه داری است و اتحاد شوروی را خیانتکارانه سازش با امپریالیسم آمریکا و بازگشت به راه سرمایه داری متهم می‌ساخت. حوادث گام به گام این سیاست مدعی گزافه را افشا کرد. رهبری چین اکنون یکباره نقاب انقلابیگری کاذب و ضدامپریالیستی را از چهره برگرفته است. مسافرت های کیسینجر و پرزیدنت به پکن منجر به علنی شدن سازش و نزدیکی چین و آمریکا شد و اکنون به سیاست خصومت دیوانه وار علیه اتحاد شوروی که پکن آن را "دشمن شمارهٔ یک" خود اعلام کرده، خصومت با جمهوری سوسیالیستی ویتنام قهرمان، توطئه ارتجاعی علیه خلق آنگولا، پشتیبانی از رژیم فاسد موبوتو علیه مردم زئیر، حمایت از هجوم سومالی به حبشه، روابط دوستانه و نزدیک با رژیم خون آشام پینوشه، معادله با عناصر خیانت پیشه ای مانند انور السادات و حسن تبری و یک سلسله اقدامات مخصمانه دیگر نیز افزوده شده است. در این مرحله رهبری مائوئیست چین سیاست خارجی خود را بر تئوری ضد انقلابی "سه جهان" مبتنی کرد و صلاً در صدد برآمد با ایجاد یک جبهه جهانی از ژاپن و ناتو و خود طبقه کشورهای سوسیالیستی، همان نقش ننگینی را به عهده بگیرد که زمانی هیتلر برعهده گرفته بود. روش رهبری مائوئیست چین در اعلامیه اخیر سازمان ملل متحد علیه خلع سلاح و تلاش او در به راه انداختن جنگی جهانی، برای آن که از این طریق ابلیسی به هدف خود، یعنی سیطرهٔ بر عالم، دست یابد، تمام حق صادر شوینیسم عظمت طلبانه و نژاد گرایانهٔ رهبران کنونی چین را نشان می‌دهد. در شرایط کنونی رهبری مائوئیست چین به یاری استعمارطلبان شتافته و می‌خواهد وضع را به سود آنها و به زیان خلق های آمریکا را بی فایده "تثبیت" کند.

برای ما و برای تمام خلق های جهان مایه نهایت تاسف است که انقلاب بزرگ خلق چین به این شدت و وحدت مسخ و منحرف شده و آرزو های روشن مردم جهان نسبت به چین انقلابی با چنین فساد و از طرف مائوئیست دون و شاگرد اخلاف مال گردیده است. این یک فاجعه غم انگیز در تاریخ مردم چین است. سیاست خارجی کنونی رهبران

دنباله در صفحه ۴

کارگران ایران، در مبارزات صنفی و سیاسی پیشگام باشید!